

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۲۴، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده بخش ۲

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جفری هادون در تدریس باستان‌شناسی کتاب مقدس است. این جلسه ۲۴، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده، بخش ۲ است.

خب. من اینجا در این پاورپوینت، یک عکس هوایی عالی از محل خیریت قمران پس از حفاری و مرمت جزئی آن دارم. و ما فقط به این نگاه می‌کنیم و فقط چند کلمه صحبت می‌کنیم. این، دوباره، جاده است، جاده مدرنی که در امتداد ساحل غربی دریای مرده و از پرتگاه به دره عکا در بالای محل منتهی می‌شود.

و سپس وادی قمران از این مسیر به اینجا و از طریق این وادی به بیرون می‌رود. و اینجا جایی است که، دوباره، اسنی‌ها یا جامعه‌ی طومارهای دریای مرده سدهایی برای جمع‌آوری آب ساختند و سپس آب را از طریق یک قنات به مخازن مختلف در این مکان آوردند. و البته، از آنها استفاده می‌شد.

اینجا یک دیوار بلند وجود دارد که حفاری شده است، و من مطمئن نیستم که آیا آنها تا به حال دلیل آن را مشخص کرده‌اند یا خیر. باز هم، در جنوب، مکانی به نام عین فشخا وجود دارد که یک چشمه است، و همزمان فعالیت‌ها و سازه‌های دیگری نیز در آنجا وجود داشته است. همچنین توجه داشته باشید که این گوشه از مجموعه یک برج است، و ادعای من این است که این برج، به دلیل شکل و سبک آن، لزوماً در دوره معبد دوم یا بهتر است بگوییم توسط اسنی‌ها یا جامعه طومار دریای مرده ساخته نشده است، بلکه ممکن است در واقع قدیمی‌تر باشد و به دوره عهد عتیق برگردد.

در اینجا نقاشی یا بازسازی یک هنرمند از این مکان را مشاهده می‌کنید. باز هم، برج و ساختمان‌ها و اتاق‌های مختلف این مکان به عنوان یک جامعه مذهبی در طول قرن اول قبل از میلاد و قرن اول میلادی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. باز هم، با نگاه به جنوب، می‌توانید دشت دریای مرده و ساحل دریای مرده را در اینجا ببینید.

باز هم، در دوران باستان، حتی در دوران مدرن، دریای مرده بسیار نزدیک‌تر می‌بود، اما به دلیل پایین آمدن مداوم سطح آب دریای مرده، همچنان در حال کوچک شدن است. باز هم، اینها اتاق‌های جداگانه‌ای هستند و توسط کاوشگران و کسانی که در نتیجه این مکان را مطالعه کرده‌اند، به طرق مختلف تفسیر شده‌اند. در اینجا نیز یکی از کانال‌های آب وجود دارد که آب را از آب جمع‌آوری شده پشت سدهای زیر پرتگاه به اینجا به مخازن، استخرها و میکووت‌های مختلف می‌آورد که یکی از آنها در اینجا قرار دارد.

می‌توانید پله‌هایی را که به پایین می‌روند ببینید، و البته، آنها حمام‌های آیینی یا غسل تعمیدهایی هستند که اینجا وجود (Mikveh) جامعه برای تطهیر آیینی خود استفاده می‌کرده است. تصویر دیگری از یک میکوه دارد و می‌توانید مقداری از گچ روی دیوارها را ببینید که باقی مانده است. بحث و جدل زیادی در مورد چگونگی شناسایی این مکان وجود داشته است.

بحث بر سر این بوده که آیا این بنا کاربردهای مختلفی خواهد داشت یا خیر، و بنابراین محققان مختلف به قمران با طومارهای یافت شده در طرق مختلف به آن اعتقاد دارند. سوال اول این است که آیا خیریت غارهای مجاور مرتبط است یا به آنها پیوند دارد؟ این نیز مورد بحث قرار گرفته است. در واقع، یک محقق اسرائیلی استدلال کرده بود که جامعه اسنی‌ها، که توسط یک مورخ رومی ذکر شده است، در واقع اصلاً در

قمران زندگی نمی‌کردند، بلکه در جنوب در عین‌جدی ساکن بودند، زیرا منبع رومی می‌گوید که این جامعه در بالای عین‌جدی زندگی می‌کردند.

او این را به عنوان ارتفاع تفسیر کرد نه جهت شمال، اما این نظر به طور گسترده پذیرفته نشده است. به اعتقاد من، ارتباطات زیادی بین این مکان و غارها وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و هیچ ارتباطی با غارها و طومارها باقی نگذاشت. من معتقدم که این دو بسیار بسیار به خوبی با هم مرتبط هستند.

آنها همزمان ساکن بودند. بسیاری از نسخه‌های خطی مدفون در غارها در مجاورت جامعه قومران یا کره قرار دارند. کوزه‌های سفالی کشف شده در غارها نیز با کوزه‌های سفالی یافت شده در قومران مطابقت دارند.

شاید شواهد کاملاً محکمی نباشد، اما شواهدی از فعالیت کاتبی، تولید سفال و زندگی جمعی در قمران وجود یا حمام‌های آیینی مهم بوده‌اند. در آنجا aen mikveot دارد، به خصوص، به نظر من، به اندازه جوهردان‌هایی وجود داشته است که در اسلایدهای بعدی خواهیم دید، اما پیش از این، محققان اظهار داشتند که میز و صندلی پیدا کرده‌اند و به نظر نمی‌رسد که این میزها و صندلی‌ها برای نوشتن یا رونویسی متون مناسب باشند. پلینی بزرگ دوباره اشاره می‌کند که جامعه اسنی در امتداد ساحل دریای مرده زندگی می‌کردند.

این همان چیزی است که یک محقق اسرائیلی به عنوان وجود آن در بالای قمران در حجره‌های کوچک یا غارها به جای قمران شناسایی کرد. در نهایت، ادبیات فرقه‌ای موجود در میان طومارها عموماً با آنچه ما در مورد اسنی‌ها می‌دانیم مطابقت دارد، بنابراین پیوند دادن آن مورخ رومی و گفته او با جامعه قمران به نظر می‌رسد مناسب باشد. سایر محققان اظهار داشتند که قمران نوعی ویلای نخبگان بوده است، و شما در اینجا شواهدی از برخی پایه ستون‌های زیبا دارید که واقعاً در یک جامعه زیباشناسی رهبانی نامناسب به نظر می‌رسند، اما با این وجود، آنها وجود دارند.

این دو نفر در واقع مدتی روی گزارش نهایی کاوش‌ها کار می‌کردند، قبل از اینکه جایگزین شوند یا آن شغل را ترک کنند، اما شواهدی مبنی بر وجود مبلمان از نوع خاص و همچنین معماری‌هایی مانند این پایه ستون‌ها وجود دارد. بنابراین این نیز یک نکته قابل توجه است، اگرچه فکر نمی‌کنم افراد زیادی از این موضوع حمایت کنند. قمران یک قلعه یا کاروانسرا است.

این پیشنهاد توسط نورمن گولب، محقق دانشگاه شیکاگو، ارائه شده است، و باز هم، شما این برج را اینجا دارید، و این هم با گلیسی‌ها بازسازی شده است. به نظر نمی‌رسد بقیه‌ی این سکونتگاه برای اهداف دفاعی ساخته شده باشد. حال، می‌توان به آن برج نگاه کرد و گفت که آن نوعی استحکام یا درژ یا نقطه‌ی قوت بوده که جامعه می‌توانسته در صورت وجود تهدید به آن عقب‌نشینی کند، اما باز هم، شواهد دیگری وجود دارد که به نظر نمی‌رسد با این نوع ایده‌ی قلعه یا هر نوع هدف نظامی برای این مکان مطابقت داشته باشد.

علاوه بر این، در دوره عهد جدید، محل قمران از نظر استراتژیک اهمیت چندانی نداشت، به جز اینکه در نزدیکی جاده‌ای که در امتداد ساحل دریای مرده می‌رفت، قرار داشت. با این حال، در دوره عهد عتیق، این مکان اغلب به عنوان یک پست مرزی برای پادشاهی یهودا در سال‌های آخر آن عمل می‌کرد. در قرن هفتم و اوایل قرن ششم، مرز یهودا درست در امتداد دره اردن در امتداد دریای مرده و شمال بود.

بعداً یا قبل از آن، آن لزوماً مرز نبود، اما در این زمان، بود، بنابراین می‌توانسته در آن زمان، در اواخر سلطنت، به عنوان یک پاسگاه مرزی یا تأسیسات نظامی اشغال شده باشد. عدم وجود طومارها و قطعات طومار در این محوطه قابل انتظار است. با این حال، چندین جوهردان گواهی بر فعالیت کاتبان فراتر از یک پاسگاه نظامی پادگان است. قمران گورستانی کمی در شرق داشت و ۱۲۰۰ تپه قبر شناسایی و چندین مورد کاوش شد، اما اینها تلفات جنگ نبودند.

ظاهراً آنها در گورهایی که بوده‌اند، اجسادى که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند، در آرامش مرده‌اند بنابراین بله، این تفسیر نیز مشکلاتی دارد. دووس، هنگامی که قمران را کاوش می‌کرد، چیزی را شناسایی کرد که آن را یک کتابخانه یا مرکز نسخ خطی برای تولید طومارها می‌نامید و این بازسازی آن در اینجا است.

باز هم، این میزها و رومی‌ها مورد استفاده قرار گرفتند که بخش‌هایی از آنها شناسایی و کاوش شدند؛ بحث بر سر این است که آیا واقعاً از آنها برای این منظور استفاده شده است یا خیر. با این حال، مهم‌تر از آن، این جوهردان‌ها بودند و برخی از اینها دوباره از بازار عتیقه‌جات آمده بودند. اینجا یک جوهردان برنزی است؛ برخی سرامیکی بودند، و این قطعاً یک یافته مهم است که این مکان را به طومارها مرتبط می‌کند.

بنابراین، متأسفانه، باز هم، آنها لزوماً در محل پیدا نشدند، اما از محل آمده بودند. وقتی یک سنگ‌نوشته پیدا شد، نه یک طومار، بلکه یک سنگ‌نوشته که توسط جیمز استرنج، باستان‌شناس اهل فلوریدا، در محل پیدا شد، هیجان زیادی به وجود آمد و فرانک مور کراس و استر اشل آن را مورد مطالعه قرار دادند و از قضا، این متن توسط آدا یاردنی، یکی دیگر از کتیبه‌نویسان اسرائیلی، مورد مناقشه قرار گرفت، اما با نگاهی دقیق‌تر، خط واقعاً با دست‌های کاتب ماهر که روی طومارها می‌بینیم، مطابقت ندارد. بنابراین باز هم، متأسفانه اطلاعات زیادی وجود ندارد که بتوان از این موضوع به دست آورد، اگرچه این یک کشف مهم است.

قبلاً اشاره کردم که وقتی دوو و تیمش در حال حفاری محوطه خربت قمران بودند، از بادیه‌نشینان محلی برای کمک به حفاری و انجام کارهای دستی کمک گرفتند، و بنابراین وقتی دوو و تیمش برای عصر به اورشلیم برمی‌گشتند، بادیه‌نشین‌ها شیفت خود را به شیفت تاب و شیفت گورستان تغییر دادند و شروع به حفاری غارها در امتداد تراس پشت محل کردند. معروف‌ترین آنها غار شماره چهار بود، جایی که می‌توانیم بگوییم رگه اصلی کشف شد. اکثر طومارها، ظاهراً به طور تصادفی، کمی قبل از اینکه فرض کنیم رومی‌ها وارد محل شدند یا به آن نزدیک شدند، در غار چهارم انداخته شدند.

و تا زمانی که ۹۰ درصد غار به طور غیرقانونی و نادرست حفاری نشد، کارکنان یا دوو و کارکنانش متوجه نشدند که چه اتفاقی دارد می‌افتد، و بنابراین آنها فقط توانستند سطوح بسیار پایین‌تر غار را حفاری کنند. حتی در آن زمان، آنها به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند. بیشتر طومارها دوباره در وضعیت وحشتناکی بودند، تکه تکه با مدفوع خفاش و ادرار روی آنها و همچنین ۲۰۰۰ سال گرد و غبار.

سقف غار همچنان در حال فرو ریختن بود و بنابراین سطوح مختلفی از آوار بالای طومارها وجود داشت. اما باز هم، این غار، منبع اصلی طومارهای جامعه بود. در نهایت، به طومارهای دریای مرده و نسخه خطی به نام پاپیروس نش می‌رسیم.

این کتیبه دهه‌ها قبل از طومارهای دریای مرده در فایوم مصر کشف شد. این کتیبه، گودالی باتلاقی در غرب دره نیل است که توسط کانالی به نام بار یوسف به نیل متصل می‌شود. ارتباطات جالبی با یوسف کتاب مقدس وجود دارد.

خب، این اسم خیلی خیلی جدیدتره، بنابراین من واقعاً نمی‌تونم اون ارتباط رو برقرار کنم. اما در سال ۱۸۹۳ کشف شد، و یه جورایی خلاصه شده‌ی ده فرمان و شما هست. آلبرایت اینو نوشته و در سال ۱۹۳۷ منتشرش کرده.

او این متن را از روی متن، حروف و املاي آن، حدود ۱۵۰ تا ۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تاریخ‌گذاری کرد تا زمان کشف طومارهای دریای مرده، این قدیمی‌ترین متن کتاب مقدس محسوب می‌شد. این متن بسیار مهم بود زیرا برای مقایسه با خطوط طومارهای دریای مرده استفاده می‌شد.

البته، فرانک مور کراس کارهای زیادی در این زمینه انجام داد. آنها توانستند، تا حدودی بر اساس این پاپيروس قدیمی‌تر نش، قدمت این متون طومار دریای مرده را تشخیص دهند که همزمان با پاپيروس نش یا شاید حتی قدیمی‌تر باشد. خیلی ممنونم.

،من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۲۴، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده، بخش ۲ است.